

# تصریح اصول سیاست خارجی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ضروریست

بقیه در صفحه ۲

## مصاحبه «مردم» بارفیک ایرج اسکندری

بقیه از شماره پیش

س- مقله‌ای که در مورد به اصطلاح اعطای امتیاز نفت شمال به اتحاد شوروی انجام میگیرد، در کجاست؟ سیاست حزب در این مورد چه بوده است؟

ج- بنظر من از بدو امر منطقی در مورد انجام شده است، یکی اینکه، مراجعه دولت شوروی را برای مذاکره در مورد امتیاز نفت شمال، عمدتاً در یک مسئله مجزا و فارغ از اقدامات زیر پرده انحصارهای نفتی آمریکا برای دستیابی به نفت و پایگاه در نقاط شمالی ایران و هندوستان دولت ساعد در این ماجرا مطرح می‌شود، تا آنرا بصورت یک نوع اعمال فشار از جانب دولت شوروی جلوه دهند و اقدامات دولت را در حاضر نشدن برای مذاکرات با هیئت نمایندگی شوروی، بصورت یک عمل میهن‌دوستانه و ملی آرایش دهند. دوم اینکه، اقدامات اعتراضی و تظاهراتی را که حزب توده ایران در آن هنگام علیه دولت ساعد سازمان داده است، بمقابله عملی دال بر وابستگی حزب توده ایران و انمود نمایند. نامه‌ای که دکتر مصدق شخصاً بسفیر شوروی در آنوقت نگاشته و اظهار نموده است که در مورد فروتنی نفت (نه امتیاز) موافقت دولت شوروی را، قبل

بقیه در صفحه ۲

## به یاد رفیق شهید هوشنگ تیرابی

روز پنجشنبه هفتم تیرماه ۱۳۵۸، ساعت ۶/۵ بعد از ظهر در زمین چمن دانشگاه صنعتی مراسمی بمناسبت ششمین سالروز شهادت تهرمان توده‌ای، هوشنگ تیرابی برگزار خواهد شد. از همه اعضا، هواداران و دوستان حزب و از همه عناصر میهن پرست، آزادیخواه و مترقی دعوت میشود که در این مراسم شرکت کنند.

دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران



## امام خمینی: از اتحاد شوروی کمال تشکر را دارم

آقای دکتر محمد مکرری سفیر جمهوری اسلامی ایران در اتحاد جماهیر شوروی، روز دوم تیرماه، در دیداری با امام خمینی، پیام لئونید برژنف صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی را بصورتشان تقدیم کرد. امام در پاسخ، پیامی بدین شرح در اختیار سفیر ایران در شوروی قرار دادند:

بسمه تعالی ۲۸ رجب ۹۹ حضرت لئونید برژنف صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، از پیام محبت آمیز آن حضرت و ابراز محبتی که نسبت به جمهوری اسلامی ایران ابراز داشته‌اند، کمال تشکر را دارم. از خداوند تعالی سعادت و رستگاری ملل اتحاد جماهیر شوروی را مسئلت داشته و امیدوارم که جمهوری اسلامی ما، که بر اساس اتحاد کلمه و بر مبنای پراچا انقلاب اسلامی و محور رژیم طاقتور بنا شده، در همبستگی و اتفاق ملل جهان و آسایش ابناء بشر نقش ارزنده‌ای را ایفا نماید.

و جناب آقای دکتر محمد مکرری حامل این پیام هستند. آرزو دارم ملت‌های جهان در راه صلح و آرامش، همچنان که خواست اسلام و ملت ما است، پیوسته کوشا باشند. روح‌الله الموسوی الخمینی

## در صفحات بعد:

- حزب طبقه کارگر ایران و سفسطه گران صفحه ۳ (ستون اول)
- سمپاشی علیه کمونیستها، بسود انقلاب ایران نیست صفحه ۶ (ستون چهارم)
- هوشنگ تیرابی: در چهره حزب توده ایران، چهره قهرمان خلق‌های خود را شناخیتیم صفحه ۶ (ستون اول)
- ۲ بر خورد متضاد - تفسیری از پروا صفحه ۴ (ستون اول)
- پندارستم - شعری از بزین آذر مهر صفحه ۶ (ستون اول)

# مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۳۲  
چهارشنبه ۶ تیر ماه ۱۳۵۸  
تک شماره ۱۵ ریال

## آباداد گاههای فوق العاده

### فقط برای سرکوب ضد انقلاب تشکیل میشود؟

روزهای یکشنبه و دوشنبه، جراید متنی را بصورت لایحه مصوبه شورای انقلاب انتشار دادند که عنوان مقابله با جرائم ضد انقلاب را بر خود دارد. ولی حتی یک نگاه سریع به مواد آن نشان میدهد که، اگر چه صحبت بر سر تشکیل دادگاههای فوق العاده، مرکب از قضات و حقوقدانان، با انتخاب وزیر دادگستری، و با هدف دفاع از دستاوردهای انقلاب است، ولی در عمل امکانات نامحدودی را برای هر گونه اقدام تضحیتی و خودسرانه فراهم میآورد و هیچگونه تضمین محکم قانونی نیز برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی از مواد این لایحه در نظر نمی‌گیرد.

ارزیابی دقیق و عمیق این لایحه نیاز به بررسی مفصل‌تر دارد، که مسلماً انجام خواهیم داد، زیرا در واقع نیز اولاً باید ضد انقلاب را، در هر لباسی که باشد، سرکوب کرد و دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک دفاع نمود، و ثانیاً باید جلوی هر گونه تشبیه را در جهت زدن برجسب ضد انقلابی به نیروهای مؤمن به اصول انقلاب گرفت و نگذاشت مواد تبصره‌های این لایحه جدید، دستاویز قانون شکنی‌ها و سوءاستفاده‌های این ساختن حقوق و آزادیهای دموکراتیک آنان گردد. این بررسی ضرورت دارد به این دلیل نیز که باید دید، تا چه اندازه چنین لویحی با قانون اساسی آینده ایران و با حقوقی که در آن برای مردم سازماندهی سیاسی و صنفی آنها برسمیت شناخته میشود، تضاد دارد یا نه، و در عمل ناقض آن است یا نه، در این لایحه که قبلاً هیئت وزیران آنرا تصویب کرده و سپس در اختیار شورای انقلاب قرار داده شده، موادی هست که در همان نگاه اول، نه فقط سؤال و تمجب، بلکه تکرانی و مخالفت را برمی‌انگیزاند.

مقاله نگاه کنید به بند الف از ماده ۴، که کلیه جرائم پیش بینی شده مجازات اول و دوم، باب دوم و اصل دوازدهم از باب سوم قانون مجازات عمومی تا پایان ماده ۲۶۱ همان قانون را مشمول صلاحیت دادگاههای فوق العاده قرار داده است. آیا اعضای شورای انقلاب این مباحث و ابواب را دیده‌اند؟ چرا در خود متن لایحه جدید این جرائم ذکر نشده و به قانون مجازات عمومی مراجعه داده شده است؟ در حالی که جرائم مربوط به مسائلی نظیر کشت خشکسای بهره‌برداری از جنگلها و اختلاس و رشوه‌گیری به تصریح و با توضیح در این قانون ذیل مواد و تبصره‌ها آمده است، چرا بند الف ماده ۴، مضمون جرائم را بصراحت نمی‌گوید و مباحث قانونی مجازات عمومی را یک جا در صلاحیت این دادگاههای فوق العاده میکندارد؟ آیا علت این ابهام این نیست که در اینجا صحبت بر سر نومی احیای قوانین پوسیده و منسوخ است که خون سرخ صدها هزار شهید، از ۵۰ سال پیش تا کنون، قلم بطلان بر آنها کشیده است؟

در مجت اول باب دوم، صحبت از ضدیت با سلطنت مشروطه (۱) و مرام اشتراکی است؛ لذا سؤال ما بجاست که آیا بقیه در صفحه ۵

## حمله به دفتر «مردم» در رشت

روزشنبه شب عناصر مشکوکی به بهانه اینکه دفتر «مردم» آتش گرفته، وارد دفتر «مردم» در رشت شده و کتب و پوشش‌های موجود را پاره کرده و رفته‌اند. روزیکشنبه شب باز هم عناصر مشکوکی به دفتر «مردم» آمده و قصد تخریب داشته‌اند. این بار مسئولین دفتر «مردم» در رشت با مذاکره با این افراد، مانع تخریب شده‌اند، ولی از طرف عناصر مخرب گفته شده است که نباید تا بلوی «مردم» بالا برود. در بین این عده، افسراد مائوئیست شناخته شده‌اند که دیگران را به خرابکاری تحریک می‌کردند. چنین اعمال تحریک آمیز، غیر قانونی و ضد دموکراتیک که مورد اعتراض شدید ماست میباید از طرف مقامات مسئول فوراً جلوگیری و محرکان شناخته و مجازات شوند.

## حمله به اجتماعات و میتینگها بدعت خطرناکی است

ما از آزادی فعالیت این نیروها، صرف نظر از مشی سیاسی آنها و یا مخالفتی که با حزب توده ایران داشته یا دارند، بطور پیکر دفاع کرده و می‌کنیم.

حزب توده ایران بر اساس این سیاست اصولی و پیکر خود، در سالیان سلطه «رژیم شاهنشاهی» از همه مبارزان و تمام قربانیان رژیم، صرف نظر از عقاید سیاسی و مسلکی آنها و همچنین صرف نظر از مناسبات آنها با حزب توده ایران قاطعانه دفاع کرده است.

در دوران پس از انقلاب هم، حزب توده بقیه در صفحه ۵

ما آتش زدن کتابفروشیها،  
حمله به اجتماعات، توقیف  
بدون دلیل افراد، اخلال  
در میتینگها و هر نوع حمله  
به آزادیهای دموکراتیک  
را محکوم می‌کنیم.

حمله گروهی ناشناس و مشکوک به میتینگ، «جبهه دموکراتیک ملی ایران» در روز جمعه گذشته، بار دیگر ضرورت حیاتی حفظ آزادیهای دموکراتیک را که از مهمترین دستاوردهای مرحله اول انقلاب ایران است، مطرح کرد. حزب توده ایران که از مشی دموکراتیسم انقلابی، یعنی استقرار دموکراسی واقعی در جامعه ایران قاطعانه پشتیبانی میکند، دفاع از آزادیهای دموکراتیک (آزادی اجتماعات، بیان، قلم، احزاب و...) را نیز همواره جزء وظایف مسلم خود دانسته و میداند. ما خواهان آزادیهای دموکراتیک برای همه نیروهای ملی، مترقی و دموکراتیک هستیم.

قرارداد دوجانبه نظامی ایران و آمریکا باید بدون درنگ لغو شود

# تصریح اصول سیاست خارجی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ضروریست

## مصاحبه «مردم» بارفیک ایرج اسکندری

بقیه از صفحه ۱

از تقدیم پیشنهاد سه ماده‌ای خود به مجلس، جلب نموده است، بخوبی نشان می‌دهد که مسئله اعمال فشار برای گرفتن امتیاز نفت شمال از جانب اتحاد شوروی نه تنها درست نیست، بلکه این اقدام دولت شوروی در واقع مقابله‌ای با اقدامات امپریالیسم امریکا برای بدست آوردن نفت شمال و تأسیس پایگاهی تحت این پوشش در مجاورت اتحاد شوروی بوده است.

در مورد تظاهرات حزب توده ایران در آن موقع، باید بگویم که حزب توده ایران در آن تظاهرات نیز مانند همیشه در موضع قاطع ضد امپریالیستی و میهن پرستانه قرار داشت و علیه کابینه ارتجاعی ساعد، علیه مذاکرات محرمانه ساعد با شرکتهای امریکائی و برای گسترش مناسبات دوستانه با اتحاد شوروی مبارزه می‌کرد.

س- جنبش دموکراتیک آذربایجان چرا بوجود آمد؟  
نقش آن در آذربایجان و جنبش انقلابی ایران چه بود؟  
علت شکست جنبش دموکراتیک آذربایجان چه بود؟

ج- جنبش دموکراتیک آذربایجان جزء جدائی ناپذیری از جنبش انقلابی مردم ایران را در سالهای بعد از سقوط دیکتاتوری رضاخان تشکیل میدهد.

همچنانکه در مبارزات انقلابی پیشین ایران، بویژه در جریان انقلاب هژمونی و جنبش ضد امپریالیستی خیابانی، مردم آذربایجان با قیامهای دلورانه خود نقش پیشرو ایفا نموده‌اند، بهمان گونه باید جنبش دموکراتیک سالهای ۱۳۲۴-۱۳۲۵ آذربایجان را طلایه انقلاب ایران بشمار آورد.

فرقه دموکرات آذربایجان، چنانکه در برنامه آن نیز تصریح شده، خواستهای مردم آذربایجان را در چارچوب ایران واحد و تمامیت ارضی آن مطرح ساخته است. بنا بر این مسلم است که اتهام تجزیه طلبی به نهضت انقلابی آذربایجان و فرقه دموکرات آذربایجان، از بنیاد نادرست و افترا آمیز است.

ستمرگی مالکان فئودال، اجحافات مأموران دولتی و زانداریها، فشار طاقت فرسای دولت بر توده‌های مردم شهر و ده، بویژه نسبت به دهقانان آذربایجانی، رواداشتن انواع تبعیضها و تحقیرها نسبت باذربایجانیها و بویژه اعمال ستم ملی و فرهنگی و همانند از آموزش بزبان مادری، در زمره عوامل عمده‌ای است که مردم آذربایجان را وادار بقیام علیه دولت مرکزی، برای دستیابی بیک سلسله خواستهای مشروع دموکراتیک نمود.

فرقه دموکرات آذربایجان با تشکیل خود جنبش انقلابی را سازمان داد و آنرا از حالت خود بخودی بیرون آورد و خود بصورت سازمان واحد کلیه مردم آزادخواه و ترقیخواه آذربایجان درآمد. بدیهی است که قیام مردم آذربایجان نمیتوانست در سراسر جنبش انقلابی مردم ایران جنب و جوش بوجود نیارد و تأثیر مثبت نکند. بهمین سبب نه تنها حزب توده ایران، بلکه سازمانهای دیگر دموکراتیک آن زمان، این جنبش و حقانیت آنرا مورد پشتیبانی و تأیید قرار دادند.

حزب ما وظیفه خود دانست که با تمام نیرو از قیام آذربایجان، بمثابه پایگاه انقلابی برای کل نهضت انقلاب عمومی ایران، پشتیبانی کند. برای کمک به نهضت انقلابی خلق آذربایجان، حزب توده ایران به تشکیلات ایالتی خود، که دهها هزار عضو در آن متشکل بودند، دستور داد که به فرقه دموکرات آذربایجان به پیوند و فعالیت انقلابی خود را تحت رهبری فرقه دموکرات آذربایجان انجام دهند. حزب توده ایران، بنا بوظیفه انقلابی خود، با تمام نیروئی که در آن زمان در اختیار داشت، به کمک و پشتیبانی از نهضت آذربایجان پرداخت و از هیچ کوششی، چه در زمینه بسیج توده‌های مردم در سراسر ایران به پشتیبانی از جنبش آذربایجان و چه در جهت اعمال فشار بدولت مرکزی و چه در سطح تبلیغی و یاری رسانی به جنبش از لحاظ کادر نظامی و غیر نظامی دریغ نورزید. بهمین جهت کنگره دوم حزب ما، ضمن یکی از قطعنامه‌های خود، این سیاست رهبری حزب را درست و مثبت ارزیابی نموده است.

در مورد پرسش دیگری که راجع به علت شکست جنبش دموکراتیک آذربایجان کرده‌اید، باید بگویم که علت این شکست را باید در تناسب قوا در صحنه‌ها، که در آن موقع بود امپریالیسم و ارتجاع بود جستجو کرد. در چنین شرایطی، امپریالیست‌های انگلیسی و امریکائی، که از سرایت جنبش انقلابی مردم آذربایجان به سراسر ایران وحشت داشتند، نه تنها مانع از آن شدند که مذاکرات نمایندگان خلق آذربایجان با دولت مرکزی به تثبیت حکومت انقلابی بیانجامد، بلکه با دستکاری شاه مخلوع و قوام، نقشه هجوم نظامی به آذربایجان و سرکوب آنرا طرح نمودند و متأسفانه موفق هم شدند.

س- سیاست حزب در مورد دولت دکتر مصدق چه بوده است؟ سیاست حزب در مورد ملی شدن صنایع نفت چه بوده است؟ اشتباه در کجا بوده است؟ اشتباه از چه ناشی شده است؟ اشتباه دکتر مصدق و جبهه ملی چه بوده است؟ چرا کودتای ۲۸ مرداد پیروز شد؟ مسئولیت حزب و مسئولیت دولت دکتر مصدق در این زمینه چیست؟

ج- سیاست حزب مادر مورد دولت دکتر مصدق در مرحله‌ای طی کرده است، مرحله اول از بدو زمانداری ایشان تا حوالی ۳۰ تیر را در بر میگیرد و مرحله دوم از ۳۰ تیر تا کودتای ۲۸ مرداد. پلنوم چهارم کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره سیاست حزب در این دو مرحله رسیدگی کامل کرده و سندی نیز تصویب نموده، که با بقا انتشار یافته است. بنا بر این سندها، رهبری حزب ما مأموریت ملی دولت دکتر مصدق را درست ارزیابی نکرده است و چون در ابتدای امر امپریالیسم امریکا از پیشنهاد ملی شدن نفت پشتیبانی میکرد، رهبری حزب ما، بدون توجه بر قایتی که میان دو امپریالیسم امریکا و انگلیس در مورد نفت ایران وجود داشت، چنین انگاشت که گویا یک توطئه امپریالیستی از جانب

از جمله پیشنهادهائی که حزب توده ایران در تکمیل پیش نویس قانون اساسی مطرح ساخته است، پیشنهاد تصریح اصول سیاست خارجی کشور در قانون اساسی است. تصریح این اصول به دو دلیل ضروری است:

اول بدلیل اینکه، انقلاب ایران بر ضد نظامی وابسته و رژیم دست نشانده، برای تأمین استقلال کشور انجام گرفته و پیروز گردیده و بنا بر این اصولی که در عرصه سیاست خارجی می‌بایستی از این استقلال، بتوان دستاورد انقلاب، پاسداری کند و آنرا تحکیم بخشد، می‌بایستی در قانون اساسی قید شود.

دوم بدلیل اینکه، دولت جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاست خارجی با انواع رژیمها و دولتها با جهت گیریهای مختلف، چه در سطح مناسبات دوجانبه و چه در سطح مسائل بین المللی، سروکار خواهد داشت و بنابراین می‌بایستی در این عرصه بفرنج از فعالیت خود، متکی به میانی و اصولی باشد تا در پیچ و خم مناسبات سیاسی و دیپلماتیک، همواره بتواند بسوی هدف، که تأمین و تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی کشور است، حرکت کند.

اگر میانی و اصول سیاست خارجی در قانون اساسی تصریح نگردد، عملاً زمینه برای این خطر وجود خواهد داشت که دولتها و مسئولان سیاست خارجی کشور، چه آگاهانه و چه ناخود آگاه، اصول و شیوه‌هایی را در سیاست خارجی و مناسبات دیپلماتیک بکار برند که با تأمین و تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی کشور، که هدف انقلاب است، سازگار نباشد.

استقلال سیاسی و اقتصادی ایران دارای دشمنی است بنام امپریالیسم جهانی. (مدتها پس از مداری بریتانیا و در حال حاضر، یعنی پس از جنگ دوم جهانی، پس از مداری ایالات متحده امریکا). انقلاب ضد امپریالیستی ما بر این دشمن شکست سختی در ایران وارد آورده. ولی اگر کسی تصور کند که امپریالیسم در ایران از پای درآمده، اگر کسی تصور کند که امپریالیسم برای باز پس گرفتن مواضع از دست رفته خود در کشور ما، به تلاشی همه جانبه نپرداخته و نتواند پرداخت، یعنی اگر کسی گمان کند که امپریالیسم تسلیم شده و یا سرشست سلطه طلب، تجاوزگر و غارتگر آن تغییر کرده (مثلاً امریکا دیگر به مناسباتی بر پایه عدم مداخله در امور داخلی ایران تن در داده)، خطائی نابخشودنی و خطرناک مرتکب شده است.

امپریالیسم دشمن، و یگانه دشمن استقلال کشور ما (و همه دیگر کشورها) بوده و هست، و تا باقی است، خواهد بود. پس پاسداری از استقلال کشور، فقط در مبارزه دائمی با امپریالیسم و همگام با دیگر نیروها و کشورهای ضد امپریالیستی امکان پذیر است. و از اینرو، میانی و اصول سیاست خارجی ما، در حفظ استقلال کشور، می‌بایستی با همین مضمون و محتوا تدوین گردد.

حزب توده ایران پیشنهاد میکند که اصول سیاست خارجی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بشرح زیرین تصریح گردد:

«سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر پایه عدم تمسک، عدم شرکت در بلوک بندیهای نظامی، بر اساس حفظ صلح و امنیت بین المللی، عدم تجاوز به خاک کشورهای دیگر، حسن همجواری با همسایگان، همزیستی مسالمت آمیز و تحکیم و تقویت همکاری‌های بین المللی و گسترش مناسبات دوستانه

انحصارهای نفتی امریکائی در جریان است و چون سابقاً هم انحصارهای نفتی امریکا مکرراً در صدور گرفتن امتیازهای نفت برآمده بودند، بجای هواداری مستقیم از عمار ملی شدن صنایع نفت در سراسر کشور، شمار «امتیاز نفت جنوب بدوا ملتی شود و سپس صنایع نفت ملی شوند» را داد، باین اعتقاد که با لغاء امتیاز نفت جنوب دیگر جائی برای جان نشینی انحصارهای امریکائی باقی نماند و ملی شدن صنایع نفت پس از آن برای همیشه دست دو امپریالیسم را از سر نفت ایران کوتاه خواهد نمود. رهبری حزب ما باین نکته توجه نکرد که، شمار ملی شدن صنایع نفت در سراسر کشور، خود متضمن لغاء امتیاز نفت جنوب نیز هست و از سوی دیگر دادن شماری غیر از شمار ملی شدن صنایع نفت، خود بخود موجب جدا شدن حزب ما از دیگر نیروهای ملی و باین نتیجه تضعیف مبارزات ضد امپریالیستی است.

پس از آنکه طی مبارزات خلق و مقاومتها در کنگره در برابر امپریالیسم امریکا، جنبه‌های ملی دولت مصدق روشن تر گردید، رهبری حزب ما آن شمار قبلی را ترک کرد و به پشتیبانی بیدریغ از دولت دکتر مصدق پرداخت و در ۳۰ تیر، همراه دیگر نیروهای مردم با تمام قوا وارد نبرد علیه توطئه شاه قوام بر ضد دولت دکتر مصدق گردید و از آن پس تا آخرین لحظات بطور همه جانبه از دولت دکتر مصدق پشتیبانی نمود. باینکه پس از ۳۰ تیر متحدین سابق دکتر مصدق از او روی بر تافتند و به جبهه شاه و امپریالیسم پیوسته بودند و علی رقم اینکه دولت دکتر مصدق هیچ گامی در جهت آزاد ساختن فعالیت حزب توده ایران برنداشته بود، میتوان گفت که حزب ما یگانه نیروی مهم سیاسی بود که قاطعانه و بدون هیچگونه چشم داشت، از دولت ملی دکتر مصدق پشتیبانی نمود. با وجود همه این احوال، جبهه ملی، بر اساس انگیزه‌های طبقاتی خود و نیز در نتیجه همشواریهائی که نسبت به حزب ما داشت، نه تنها هیچگونه گامی در راه اتحاد با حزب توده ایران برنداشت، بلکه بعکس در این دوران هم، که حزب ما یگانه یار و پشتیبان دولت دکتر مصدق بود، از هیچگونه تبلیغات و اقدامات خصمانه نسبت به حزب توده ایران خودداری نورزید. اشتباه اساسی جبهه ملی و دولت دکتر مصدق در مورد حزب ما این بود که، به اهمیت اساسی اتحاد همه جانبه با

میان دولتها بر مبنای برابری کامل و منافع متقابل و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر قرار می‌گیرد. همبستگی و پشتیبانی از حقوق ملتها و خلعقائی که علیه استعمار، نوب- استعمار، امپریالیسم، صهیونیسم و فاشیسم و تبعیض نژادی بر خاسته‌اند، در زمره اصول مسلم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بشمار میرود.

رعایت و اجرای مداوم این اصول از طرف دولت و وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، استقلال سیاسی و اقتصادی کشور ما را در برابر رسوخ و نفوذ استیلاگرانه امپریالیسم حفظ میکند، راه را برای ایجاد تیرگی روابط با خصومت بین ایران و کشورهای دیگر همسایه، که شیوه عمل امپریالیسم برای ایجاد نفاق و از اینراه نفوذ اسارت بخشی است، می‌بندد، کشور ما را در صف نیروهای هوادار صلح و امنیت بین المللی، جهت خنثی کردن کوششهای جنگ افروزانه نیروهای امپریالیستی تجاوزگر قرار میدهد و بدینسان صلح و امنیت کشور ما را تأمین میکند، برقراری مناسبات با دیگر کشورهای بر مبنای برابری کامل حقوق و نفع متقابل، در عین حفظ منافع و مصالح کشور، شایستگی و حیثیت ما را در میان کشورهای و خلقهای جهان بالا میبرد و سرانجام پشتیبانی از مبارزه ضد امپریالیستی، ضد استعماری، ضد صهیونیستی و ضد تبعیض نژادی، یعنی اجرای وظیفه انسانی و شریف پشتیبانی از ستمدیدگان در برابر ستمگران، متقابلاً کشور ما را از پشتیبانی نیروهای ضد امپریالیستی، نیروهای خواستار آزادی و استقلال و برابری ملل و کشورهای جهان برخوردار میکند.

کشور ما، بدینسان خواهد توانست که همواره نیرومندتر و فعال تر در راه ساختمان ایرانی مستقل، آزاد و آباد و سر بلند، و جهانی فارغ از ستم و برخوردار از صلح و دوستی خلقها گام بردارد.

نتایج حاصله از اجرای اصول پیشنهادی حزب توده ایران در مورد سیاست خارجی، که به آنها اشاره شد، خود دلیل دیگری است بر ضرورت تصریح این اصول در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

<p><b>عناصر مشکوک یک کتابفروشی را در کرمان مورد حمله قرار داده‌اند</b></p> <p>روزیکشنبه شب عناصر مشکوکی به کتابفروشی دنیا در کرمان حمله کرده، همیشگیهای کتابفروشی را شکسته و کتابها و نشریات آنرا برده‌اند.</p> <p>ماضن اعتراض شدید به این اعمال ضد دموکراتیک و غیر قانونی از مقامات مسئول میپرسیم که، چه اقدامی برای جلوگیری از اینگونه اعمال کرده‌اند؟</p>	<p><b>کتابفروشی ارانی را در آبادان سوزانده‌اند</b></p> <p>ساعت ۴/۵ با بمداد دوشنبه یک موتور سوار با مواد آتش ز، کتابفروشی ارانی را در آبادان آتش زد و گریخت. برای آتش سوزی تمام کتابفروشی سوخت.</p> <p>تکرار این حوادث خرابکارانه و تحریک آمیز در نقاط مختلف ایران خبر از توطئه سازمان یافته‌ای می‌دهد که میباید با قاطعیت آنرا افشاء و سرکوب کرد و با هوشیاری به پیشگیری از آن پرداخت.</p> <p>ما در انتظار اقدام سریع و قاطع مقامات مسئول هستیم.</p>
--	---

حزب توده ایران، یعنی سازمانی که علی‌رغم اجبار به فعالیت پنهانی، توده‌های وسیعی از کارگران و دهقانان و روشنفکران مترقی را در پیرامون خود داشت و قویترین سازمان سیاسی کشور بشمار میرفت، بی‌نبرده بود و با تمام قوا میکوشید، در عین برخورداری از پشتیبانی آن، از همکاری با حزب توده ایران پرهیز نماید و آنرا دور از جریان نگاهدارد.

چنین سیاستی نمیتوانست در جریان حوادث بعدی تأثیر نداشته باشد، زیرا جبهه متحد امپریالیسم شاه امکان یافت از این وضع بسود خود استفاده کند.

پلنوم چهارم کمیته مرکزی حزب توده ایران در قطعنامه خود، در عین اینکه اشتباه حزب را در عاقلگیری و عدم آمادگی برای واکنشی سریع در روز ۲۸ مرداد تصریح نمود، توجه را نیز باین نکته معطوف نمود که دولت دکتر مصدق، علی‌رغم تذکرات حزب ما هیچگونه ابتکاری برای فراخواندن نیروهای خلقی برای مقابله با کودتا بخرج نداد و از مقدرات دولتی برای سرکوب کودتا استفاده ننمود. اگر عدم تحریک در روز ۲۸ مرداد، عدم ابتکار و در انتظار ماندن برای اتخاذ تصمیم از جانب دکتر مصدق، بدرستی اشتباه حزبی تلقی میشود که نه تنها در قدرت نبود، بلکه نظر به وضع پنهانی خود موافقی برای اقدام داشت، آنگاه برای حکومتی که همه امکانات دولتی را در اختیار داشت و به توده‌های خلق مستظهر بود، عدم تحریک و بی‌تصمیمی در روز کودتای ۲۸ مرداد، نمیتواند اشتباه فاحش بحساب نیاید.

بنظر من، حزب باید آمادگی خود را برای یک بحث همه جانبه علمی و بی‌غرضانه با دیگر سازمانهای ملی و دموکراتیک در مورد علل پیروزی کودتای ۲۸ مرداد و تعیین دقیق مسئولیت هر یک از نیروهای آن زمان در این شکست اعلام دارد. این امر هم به بگویم که و استنادات بی‌مسئولیت خاتمه میدهد و هم برای تاریخ جنبش ملی و دموکراتیک کشور ما آموزنده و مفید است.

بقیه در شماره آینده

# حزب طبقه کارگر ایران و سفسطه گران

## گزارشی از کوره پزخانه های تبریز



### کارگران علیرغم اراده کارفرما، کارخانه بکار انداختند

کارگران کارخانه ذوب فلزات (ریخته گری) «پرلهت» قبل از انقلاب، از ماه آذر، دست به اعتصاب زدند و ۴ ماه در حال اعتصاب و تعطیل بودند. در این مدت حقوقی به کارگران پرداخت نشده است. بعد از پیروزی انقلاب، آنها به اداره کار مراجعه کردند و از کارفرمای خود، که مالک چندین کارخانه دیگر و از جمله «ایرانیت» و کارخانه گچ است، شکایت کردند. آنها موفق شدند حقوق عقب افتاده و دوران اعتصاب را دریافت کنند. اما بعد از پیروزی انقلاب و کارفرما شروع کرد به خواباندن کارخانه و جلوگیری از تولید، تا کارگران را خود به خود وادار به ترک کار کنند. ولی کارگران متحد توانستند از اول خرداد ماه ۵۸، چرخهای تولیدی کارخانه را به حرکت در آورند. آنها برای این کار چندین بار به اداره کار و کمیته های انقلاب مراجعه کرده بودند. استدلال کارفرما در مقابل تعطیل کارگاه این بود که پول برای راه انداختن کارخانه موجود نیست و مشتریها هم تقاضای نکرده اند و رژیم گذشته هم پولها را به خارج برده است. اما در مقابل، استدلال کارگران قویتر و منطقی تر بوده است. کارگران گفته بودند: خوب اگر رژیم گذشته توانسته پولها را با خود ببرد، کار و تیروی کارمندان که با خود برده است، ما میتوانیم با کار خود تیروی ملی تولید کنیم. بالاخره کارگران موفق می شوند که کارخانه را از اول خرداد ماه بکار اندازند و خودشان نیز بسراغ مشتریها رفتند. همچنین آنها قسمتی از حقوق دو ماهی را که کارخانه تعطیل بوده است، در تاریخ ۱۹/۳/۵۸، دریافت کردند. این کارخانه درجاده خاوران واقع است و در حدود ۲۰ نفر کارگر دارد. کارفرمای کارخانه در همه کارگاههایش در حدود ۲۰۰۰ کارگر زیر استثمار دارد.

### کارگران فنی شرکت فلور از مسئله کاهش حقوق خود شکوه دارند

کارگران فلور ضمن نامه ای به رئیس پالایشگاه تهران چنین نوشته اند: «ما همانطور که اطلاع دارید، بخاطر پیشبرد انقلاب اسلامی، همگام با کارگران پالایشگاه دست به اعتصاب زدیم. پس از پیروزی انقلاب، شرکت فلور از دست عناصر امریکایی خارج شد. حقوق ما که هر آن زمان به ۱۵۰ تا ۲۰۰ تومان در روز بالغ بود، اکنون به ۷۵ تومان رسیده است. مسئول مربوطه وعده داده بود که کاهش

کارگری تا با امروز بهمه نیست و کارگران تا کنون سندیکا ندارند. علیرغم عدم وجود سندیکا در چند ساله اخیر تقریباً همه ساله برای افزایش دستمزد، اعتصابات موقعت آمیزی در کوره پزخانه های تبریز انجام گرفته، که آخرین آن در اردیبهشت امسال (۱۳۵۸) بود.

تبریز در حدود ۶۰ کارخانه آجر پزی دارد، که در شالغرب، (جاده سوفیان) و جنوب غرب، (جاده سرد رود) قرار گرفته اند. کوره پزخانه ها معمولاً سه نوعند: الف - تک کوره ای، ب - دو کوره ای، پد سه کوره ای، که ظرفیت آنها بشرط ۲۵۰۰۰ آجر، ۵۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰ آجر و ۸۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰۰ آجر در هر ۲۴ ساعت است. در کارخانه های تک کوره ای حدود ۸۰ کارگر، دو کوره ای ۱۴ کارگر و در سه کوره ای بیش از ۲۰۰ کارگر مشغول کارند. کوره پزخانه ها دو قسمت عمده دارد: ۱- آتشکاری، که عبارتست از آجر بارکن، کوره چین، چرخ کش و کوره سوز. ۲- قالبدار (قالبزن) تعداد کارگران آتشکاری حدود ۱/۴ کل کارگران است.

تقریباً ۶۰۰۰ تا ۷۰۰۰ نفر کارگر در کوره ها کار میکنند. سیستم کار بصورت پیمانی (کنترات) است که بر پایه ۱۰۰۰ آجر محاسبه می شود.

کارگران آجر بارکن درزای هر ۱۰۰۰ آجر قبلاً ۱۷۰ ریال، بعد از اعتصاب اخیر ۲۲۰ ریال کارگران کوره چین درزای هر ۱۰۰۰ قبلاً آجر ۵۰ ریال، فعلاً ۶۵ ریال کارگران چرخ کش درزای هر ۱۰۰۰ آجر قبلاً ۱۵۵ ریال، فعلاً ۲۰۰ ریال

کارگران کوره سوز در ازای هر ۱۰۰۰ آجر قبلاً ۵۷ ریال، فعلاً ۷۲ یا ۷۴ ریال دریافت میدارند. کارگران قالبزن بطور متوسط در ازای هر ۱۰۰۰ عدد فعلاً ۶۰۰ ریال دریافت میدارند. ساعت کار در روز در بعضی قسمتها تا ۱۳ ساعت میتواند باشد (در این مدت بطور پیمانی کار میکنند) که دستمزد حاصل از این سیستم (که در آن شدت کار بسیار است) در قسمتهای مختلف متفاوت است.

کارگران با خانواده های خود معمولاً از کردستان و اطراف هشت رود برای کار به تبریز می آیند (قبلاً از خراسان نیز می آمدند) و در نزدیکی کارخانه، در اطراف کوهانی که از خشت خام توسط کارفرما ساخته شده، زندگی میکنند. زن و فرزندان کارگران نیز در همین کارخانه ها کار میکنند.

کارگران مهاجر عموماً از

مختلف دشمنی ورزیده اند، در متن «اسناد و مدارک» تاریخ حزب ما مورد استفاده قرار میدهند و یا نوشته کسانی را که پس از چند عضویت در حزب، به راست یا «چپ» گرا شده و درجاده مخالفت یا مخالفت با آن وارد شده اند، جزء اسناد و مدارک شناخت حزب جا مینهند.

این شیوه ها و منابع جهانی و ایرانی الهام ده آنها شناخته شده است و ما مطمئنیم که این تقلاهای سفسطه آمیز مانند تقلاهای نظیر آن در تاریخ، جز خاطرهای منفی از متشبثان بدانها، هیچ چیز دیگری باقی نخواهد گذاشت. زمان بهترین داور است.

نه فقط از اسناد و مدارک استفاده سفسطه آمیز میشود، بلکه از درک ناقص و نارسای قوانین تکامل نهضت انقلابی در نزد افراد بی تجربه نیز سوء استفاده بعمل می آید.

نهضت انقلابی خود یک روند تاریخی است؛ یعنی مسیر تکاملی را طی میکند، پدید میشود، نضج می یابد، تحول می یابد و سرانجام روزی میرسد که وظایف و نقش خود را به یک شکل مشخص بی پایان میرساند و باید وظایف و نقش دیگری را ایفا کند.

رشد این نهضت تابع شرایط عینی و ذهنی است؛ تناسب نیروهای انقلاب و ضد انقلاب در جهان و در جامعه معین، درجه رشد اقتصادی جامعه، آرایش قوای طبقاتی در آن جامعه، رشد کمی و کیفی طبقه کارگر، اسالیب سنتی مبارزه و مختصات عمومی فرهنگ و روحیات ملی و یک سلسله عوامل دیگر در رشد نهضت انقلابی تأثیر دارد و در فراز و نشیب آن مؤثر است.

تکامل نهضت انقلابی را در کشور ما نیز باید از همین دیدگاه بررسی کرد. حزب طبقه کارگر معجز آسا از زمین نمیچوشد. افراد، کادرها و رهبران آن در آتش مبارزات پرورش می یابند، آزمون گیری، باخفاها و شکست ها همراه است. هر کس دعوی کند که گویا باید از روز نخست همه چیز ایده آل باشد و گویا حسن نیت و اراده رزمندگان کافی است که راه خار را گین نهضت هموار شود، یا گمراه است یا فریبکار.

یکی از ویژگیهای تکامل حزب طبقه کارگر در کوره پزخانه های ایران آنست که پیش از پیدایش و نضج معین، آن عوامل عینی که ظهور این نوع احزاب را ضرور میسازند (مانند طبقه کارگر رشد یافته، مبارزه طبقاتی، نضج تئوری انقلابی و پیوند آن با نهضت کارگری)، بسبب پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر، جریان انتقال ایدئولوژی انقلابی بدست جمعی از روشنفکران انجام گرفته است. ایدئولوژی انقلابی، که بعلمت عقب ماندگی اجتماعی، نسبتاً تجریدی و غیر منطبق با واقعیات اجتماعی اخذ شده بود، تنها توانست به پیدایش حزب طبقه کارگر کمک کند، نه آنکه علت تامه برای پیدایش آن بشود. بدینسان حزب طبقه کارگر ایران، که براساس ایدئولوژی انقلابی، بدون فراهم بودن بعد کافی شرایط، نضج یافته، تکامل

جنبی طولانی و دوران کودکی دشواری را طی کرده است و اینک بتدریج وارد مرحله جدی تر نضج خود میشود. ندیدن این ویژگی تکامل حزب طبقه کارگر در کشور ما موجب انواع سردرگمی ها و نتیجه گیریهای غلط و انحرافی میشود، که باید از آنها برحذر بود. لذا حزب طبقه کارگر ایران، در مراحل مختلف رشد آن، باید موافق شرایط عینی و ذهنی و مختصات اجتماعی تعیین کننده آن بررسی شود و ارزیابی گردد. میتوان بطرح توقعات دروغین و غیر واقعی، تاریخ هر نهضتی را به تاریخ تیره اشتباهات و ناکامیها بدل کرد. میتوان برعکس با توجه گیری ها و تیر نه جویی های غیر اصولی، خطاها را ماستمالی و مسئولیتها را زود رساخت.

هیچیک از این دروغ علمی و اصولی نیست. ارزیابی حزب و نهضت باید بر پایه بررسی علمی و عینی بعمل آید و بویژه هدف آن باید تقویت نهضت انقلابی و وحدت آن و بالا بردن او تدریج معنوی آن در جامعه باشد، نه تضعیف آن. متفرق ساختن، خوار ساختن آن. مابه دوستان و رفقای جوانی که احیاناً در مقابل داستان سرائیها و مددک سازیها و فاکت بازیهای خصمانه علیه حزب ما قرار میگیرند، توصیه میکنیم که به تمام آنچه گفته شد، با دقت

در اثر رشد پر توان کیفی نهضت انقلابی در کشور ما، رغبت و کنجکاری نسبت به تاریخ حزب طبقه کارگر در ایران و جنبش کارگری میهن ما دقند بیشتر می شود. در همین زمینه توجه و علاقمندی به دانستن تاریخ حزب کمونیست ایران و تاریخ حزب توده ایران افزایش می یابد. رژیم گذشته در باره «چرخ و من چهای گذشته» که گویا قبل از دوران «بهشتی» و «انقلاب شاه و مردم» وجود داشته، با طویل فراوانی در رادیو، تلویزیون و مطبوعات کشور پخش می کرد، یعنی منظره های دلخواه و منطله آمیز از تاریخ معاصر کشور ما، به قصد گمراه ساختن افکار عمومی و برای بدام کشیدن نسل نوخیز، ساخت و پرداخت مینمود. انقلاب اخیر کشور ما پرده های تزویر این رژیم پلید را از هم درید.

نسلی که بیدان زندگی یای مینهد، شاهد نبرد عظیم سوسیالیسم و سرمایه داری، جنبش جهانی، بخش و امین یا لیسم در مقیاس جهانی است. این نسل از نسل سالمندتر در باره نبردهای گذشته مردم ایران در راه استقلال و زحمتکشان ایران در راه عدالت اجتماعی، اطلاعات جسته و گریخته ای بدست می آورد. همه اینها او را برمی انگیزد که گذشته نزدیک را بکاود و از سیر نهضت انقلابی در میهن ما دقیق تر و مشخص تر باخبر شود. انقلاب ایران کنجکاری نسبت به گذشته را در چندان کرده است و این جزیانی است قانوتمند و مقوم.

از این جریان، گروههای مختلف مخالف حزب ما استفاده میکنند، برای اینکه سیاست کذائی ضد کمونیستی را در چهار چوب ایران پیاده کنند و حزب طبقه کارگر ایران، حزب توده ایران را لجن مال نمایند، رهبران و مسئولین و فعالان این حزب را از اعتبار بماندازند و گمراهی و سردرگمی بوجود آورند. زمانی بود که دشنام گوئی محض و تهمت زنی بی بند و بار، احتمالاً ممکن بود بین عناصر نا آگاه و گمراه خریدارانی داشته باشد. ولی رشد کیفی نهضت، بیش از پیش میدان این نوع اسالیب متبذل را تنگتر میکند و لذا اینک مخالفان ما از دشنام گوئی خاص به اسلوب سفسطه در اسناد و مهره بازی با فاکتها، بحجوه که ظاهر تحقیق و بررسی تاریخی هستند و بی غرضانه داشته باشند، دست مینزند.

بر اساس همین اسلوب، یعنی اسلوب سفسطه در اسناد و مهره بازی با فاکتها، از جمله دست به انتشار اسناد تاریخ حزب طبقه کارگری زدند. در کنار یک سلسله اسناد واقعی و با ارزش، که نقش ماندگار و با دوام در تاریخ حزب طبقه کارگر ایران دارند، انواع اسناد دیگر نیز بقصد مفسوش کردن منظره وارد گردیده است. یعنی در این کار همان شیوه ای که مبلغان امریکاییستی برای سفسطه در تاریخ مارکسیسم و کمونیسم بکار میبرند، بکار میزود. مبلغان امریکاییستی برای بیان باصطلاح «علمی» و «بیطرفانه» تاریخ مارکسیسم و کمونیسم، از «کلیه» اسناد و مدارک، از آثار مارکس و انگلس و ولین گرفته تا نوشته های کائوتسکی و تر تسکی و امثال آنها یکجا استفاده میکنند. صدها کتاب بوسیله «مورخان» بورژوا برای قاطی کردن غنده و غیر عمده، صحیح و سقیم، فاکت واقعی و فاکت غیر واقعی نوشته شده است. هدف آنست که خواننده گیج شود و هرگز نتواند بفهمد که مطلب چیست.

در نسخ تاریخ، انواع فاکتها و انواع گزایشها وجود دارد؛ استخراج گزایش یا گزایشهای عمده تکامل نسخ تاریخی و جدا کردن فاکتها های نمونه وار مربوط به این گزایشها، کار یک تحلیل علمی (مارکسیستی) جدی و بدون پیشداوری است. لذا خود خصلت نسخ تاریخی طوری است که مهادن وسیعی برای سفسطه میکشاید و سفسطه گران میتوانند گزایشهای غیر عمده و فاکتها های غیر نمونه وار را ردیف کنند و از آن مناظر دلخواه بسازند و نتایج دلخواه بگیرند. تشخیص این سفسطه های زیرکانه، گاه دشوار و تیروی گمراه کننده آنها گاه زیاد است. بهمین جهت دشمنان مارکسیسم و مخالفان حزب ما، که در این نوع سفسطه های دام گسترانه تجربه دارند، از بکار بردن این حربه غافل نیستند. مخالفان ما نیز نوشته های کسانی را که با حزب توده ایران، با بهانه های

توجه کنند. حزب توده ایران طی تاریخ خود راه دشواری را پیموده و در شرایط دشواری مبارزه کرده و میکند. دشمنان تیر و مندی مانند امپریالیسم با تمام دستپازان آشکار و مخفی، مستقیم و غیر مستقیم خود، حزب ما را بی رحمانه کوبیده اند و می کوبند. مخالفان حزب ما، از میان قشرها و طبقات مختلف غیر پر لئاری جامعه، نسبت به آن روشی غیر دوستانه و ستیزه گرانه داشته اند و دارند. حزب ما دچار اشتباهات، شکست ها، ناکامیها شده، تلفات فراوان داده و انبوه رفیقان نهمه راه، صفوف آن را ترک گفته اند. این یک تاریخ آرام و سرد است نیست. اگر کسی قصد سفسطه داشته باشد، در آن میتواند به انحاء مختلف با فاکتها مهره بازی کند. ولی در این تاریخ پر فراز و نشیب تنها یک چیز عمده است

و آن اینکه، این حزب، از آغاز تا امروز، پیشروترین و پیگیرترین نیروی انقلابی مشخص جامعه ما بوده و هست، و این درست آن چیزی است که معرف سرشت اجتماعی و تاریخی اوست. حزب توده ایران - با تمام نقائص و کمبودها و اشتباهات و ناکامیها - حزب طبقه کارگر ایران است، زیرا سیاست او، در تمام حیات ۳۸ ساله اش، فقط میتواند از یک حزب پرولتاری انقلابی و انتر ناسیونالیست ناشی شود.

کسانی که می خواهند عمده و رشد یافته را در ابری از سفسطه با فاکتها و پدیده های غیر عمده و زوال یابنده مخفی کنند، سرانجام افشاء خواهند شد، زیرا عمده و رشد یافته است که معرف ماهیت است و ماهیت پدیده ها در طول مدت پنهان نمی ماند.

### کمک مالی - یک وظیفه انقلابی که با فروتنی و صداقت و بنحوی شورانگیز صورت میگیرد.

زغال در زیر آب بود و بارینش سنگ مرد. وی تا آخرین لحظات عمر به آرمان مقدس و به حزبش وفادار بود. پس از او من، تا آنجا که در توانم بود، راه پرافتخارش را دنبال کردم و اکنون پس از سالها، از اینکه میبینم مردم حزب عزیزشان را علناً در میان خود دارند، بسیار بخوشحالم و بهمه تبریک میگویم. هنوز هیچکدام از بجه‌های من حقوق نمیگیرند. این ناقابل مبلغ را، که پس انداز من است، بپذیرید تا من بسم خود وظیفه انقلابی خود را انجام داده باشم. در ضمن تصمیم دارم همراه مبلغی از پس اندازم خرج خانه برای حزبم بکنم. من یک زن مسلمان هستم و از خداوند بزرگ پیروزی و تندستی شمارا در کنار پیروزی مردم خواهانم. جاودان باد حزب پریشان و مهر بانه. ۲۰۵۰ ریال پول همراه نامه بود. ۲۰۵ تومان از پس اندازم را با شما فرزند

ایران در دانشجویمان هوادار حزب توده گرفتند باین دعوت حزب پاسخ عملی دهند. آنها مبلغ ۱۰ هزار ریال جمع آوری کردند و به حزب دادند. دانشجویان دانشکده کشاورزی کرج را انور سپاس میگویم.

همراه با یادداشت تومانی پول، این نامه را که در سطور کوتاه روی قطعه کاغذی نوشته شده، دریافت کردیم. باسلام رفیقانه به رفیقان راستین زحمتکش راننده تاکسی هستم و مدت‌هاست با تهمت‌ها و دروغهای ناجوانمردانه مثنی بحساب خودشان انقلابی، ولی در واقع و اخورده‌های از خلق برگشته، برخورد دارم. اینها چون میبینند حنایشان در پیش خلق آگاه ایران رنگی ندارد. امروز باین کشف تازه نائل آمده‌اند که حزب توده ایران پول اینهمه نشیبه و پوست و انواع خرج را از کجا در میارند. من این چند خط را نوشتم تا

آمده بود که به حزب پدرش کمک کند. ۵ سال پیش نداشت و قلک پس انداز بانک ملی اش را آورده بود. نخواست بگوید برای چه پول هایش را جمع میکرده. برایش مهم بود که تصمیم گرفته آنها را به حزب بدهد و میگفت که شب قبل، همه اش در این فکر بودی وقتی گفتیم برای باز کردن قلکش باید به بانک بروی، تا با کلید، صندوق کوچکش را باز کنند، اولاً تلخ شد. اصلاً نمیخواست در اجرای تصمیمش لحظه‌ای تاخیر افتد. مضمناً خواهش کن که راجع به این موضوع فقط دو قطعه اسکناس و بقیه پول خرید بود: جمعا ۸۵۰ ریال. اندوخته‌ای که پسرک با تمام علاقه و محبت به حزب تقدیم کرد. نامش امیر تومانی است. بگرمی از او تشکر کردیم و دستش را فشردیم.

افشین هشت ساله کلاس دوم، ۲۰۰ ریال فرستاده و روی تکه کاغذی این چند تساوی را نوشته: حزب توده = حزب کارگر، حزب کارگر = حزب مردمی، حزب مردمی = حزب انقلابی، از او هم متشکریم. و متشکریم از فرزین قزوینی، ۱۲ ساله، که نوشته است: از امروز هر هفته مرتباً مبلغی به حزب هدیه میکنم؛ زنده باد حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر!

نه سن در اینجا مهم است و نه مبلغ. صحبت بر سر درک اهمیت یک وظیفه انقلابی و چگونگی انجام آن بشما به یک عمل سیاسی است.

این نامه را که در کنارش نوشته شده، در اصل به ترکی است و بنده آن را با فارسی ترجمه کرده برای شما میفرستم، شما هم بخوانید. آنرا اخترا الف امضا کرده است:

«درود و سلام فراوان به حزب پرافتخارم، حزب همه زحمتکشان، حزب توده ایران. من زن خانه دار و مادرش فرزند هستم، پدرم کارگر معدن

اینان بداند حزب توده ایران با عرق پیشانی و هواداری همه زحمتکشان چون خورشید هر روز درخشانتر به پیش میرود. پنج هزار ریالی که این راننده فرستاده، آیا تنها باندازه پنج تا صد تومانی ارزش دارد؟ نه، ارزش این کمکها بسیار عالی تر و بزرگتر است. ارزش آنها در اینست که علامت حمایت زحمتکش ایرانی از حزب است که سیاست و عمل و روش را درست و بیغش مردم و میهن تشخیص داده و درک کرده است که برای ادامه این فعالیت، احتیاج به پول هست و اطمینان دارد که این پول، بمصرف درست میرسد، و در نهایت، امیال و خواسته‌های او را منعکس مینماید.

چنین است که سهیلا، ۱۰ م.، ع. م.، در دوست در نامه خود مینویسد: «درود بی پایان ما به حزب، بهاس پایداری و وفاداری به آرمانهای راستین و سلامت‌اندیشه‌اش که روی به روشنائی دارد، مبلغ ۵۰۰۰ ریال کمک ناقابل است که پیوسته ادامه خواهد یافت. باشد که با ادامه راهتان از رهنمودهای نیکتان بی بهره نباشیم. رفقای شما».

با کاغذی که از او می‌رسیده و امضای الف - میران در زیر آن است، این مطلب را به پایان میبریم. وی مینویسد:

«رفقا، ما حاضریم تا آخرین قطره خونمان بر سر آرمانهای حزب خود را هردشمنی مبارزه کنیم.

چندی پیش با رفیق کارگری بودم. بعد از مدتی گفتگو او بهترین جمله‌ای را که میتوانست بگوید، گفت: او گفت، بیا میگویند حزب توده ایران خیانت کرده است. آره. من تازه بعد از اینهمه تجربه متوجه شده‌ام چه خبانت‌هایی حزب توده ایران به ارتجاع و امپریالیسم کرده است! رفقا گرچه نمیتوانم به آن صورتی که باید کمک مالی به چنین حزبی کنم، که دشمن امپریالیسم و ارتجاع است. اما با ایمانی که به حزب دارم، لحظه‌ای از حرکت و فعالیت بسود حزب و ملت غافل نخواهم بود. الف میران - ارومیه ۵۸/۳/۲۳».

### از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم

- محسن آقا ۱۰۰۰ ریال
ملیحه ج. ۵۰۰۰
دانشجویان هوادار در مدرسه عالی ایوب معادی بابل ۳۵۰۰۰
فرشته ۲۰۰۰
فرزانه ۲۰۰۰
نادر شاهی از کرمانشاه ۲۰۰۰
سوداگر ۲۰۰۰
نسیم ۸ ساله ۲۲۱۰ (محتویات قلک)
زه فروش ۵۰۰۰
رزا معتمدی ۷ ساله از ساری ۱۰۰۰
محمد معتمدی از ساری ۱۰۰۰
گروه علوی از فومن ۲۰۰۰

درخامه بد نیست آنها که چاره بیچارگی خود را در تهمت زدن و مشوب کردن فکر مردم یافته‌اند. برای دریافت پاسخ باین پرسش، که حزب توده ایران منابع مالی خود را از کجا تأمین میکند، منجمله به خزانه جنوب تهران بروند و به نام اختر، فرزند کارگر و مسادرش فرزند، به سهیلا، به راننده تاکسی، به کارگر ارومیه‌ای، به دانش آموز ۱۰ ساله، به دانشجوی کشاورزی کرج و صد هانفر چون آنها مراجعه کنند، تا پاسخ قاطع و بواقعه دندن شکن را از آنها دریافت کنند. بگوری چشم دشمنان، دست همه دوستان صدیق را صمیمانه میفشاریم و فقط اضافه میکنیم، که اگر قرار بود نام همه کسانی که کمک میکنند، فهرست وار ذکر شود، شاید در هر شماره یک صفحه روزنامه هم تکافو نمیکرد.

ایران (آنطور که انحصارات غربی عمل میکنند) نیستند.

همکاری شوروی و ایران در زمینه بهره‌برداری از گاز، نمونه آنست که چگونه ثروت ملی کشور میتواند برای تحکیم استقلال اقتصادی آن مورد استفاده قرار گیرد. تحویل گاز به اتحاد شوروی، که هنوز هم مقدار زیادی از آن سوزانده می‌شود، برای ایران باصرفه‌است. پولهای حاصله از فروش گاز بمصرف بازرگان و خدمات شوروی در ساختمان واحدهای مهم می‌رسد.

اگر انحصارات غربی و مقدم بر همه انحصارات آمریکایی به ایران بمناب نه منبع استثمار و دریافت درآمد اضافی، فرورنده مهمترین ماده خام، یعنی نفت و بمناب مهمترین ماده خام، یعنی نفت و مانند پیشقراول نظامی - استراتژیک در مرز اتحاد شوروی می‌نگرد، اتحاد شوروی مناسبات خود را با ایران بر اساس برابری، احترام به حق حاکمیت و عدم مداخله در امور داخلی مبتنی میسازد. همکاری اقتصادی و فنی شوروی با ایران، که بخشی از مناسبات میان کشورها است، در تحکیم استقلال اقتصادی ایران و گسترش اعتماد میان دو کشور همجوار دارای نظامهای اجتماعی و سیاسی گوناگون، نقش بزرگی ایفا میکند.

اتحاد شوروی آماده است که در آینده نیز، این مناسبات خوب را، که طی دهها سال بوجود آمده و شکل گرفته، حفظ کند و توسعه دهد.

رفقا و دوستانی که در خارج از کشوراند، میتوانند کمک مالی خود را به نشانی زیرین ارسال دارند:

Sweden
Stockholm
Spar banken Stockholm
N: 0400 126 50
Dr. John Takman

همسایگی کشورهای ما در همکاری برپایه سود متقابل، در زمینه استفاده مشترک از آبهای رودخانه‌های مرزی چشم-انداز وسیعی می‌گشاید. بهین جهت ساختمان مجتمع آب و برق روی رودخانه مرزی ارمنی، که برای توسعه اقتصاد مناطق ساحلی رودخانه در ایران و اتحاد شوروی اهمیت بزرگ دارد، در این سالها به یکی از واحدهای درجه اول مورد همکاری تبدیل گردید. با بهره‌برداری از این مجتمع برای دریافت نیروی برق اضافی و آبیاری حدود ۶۰ هزار هکتار زمینهای حاصلخیز دشت مغان و افزایش کشت پنبه در ایران، شرایط فراهم آمد.

همکاری اقتصادی و فنی شوروی در توسعه صنایع ماشین سازی، تولید نیرو، زیربنای صنعتی برای ساختمان مسکن، انجام کارهای اکتشافی، زمین شناسی و در دیگر زمینه ها نیز مشاهده می‌شود. رویبهرت با شرکت اتحاد شوروی، در ایران حدود ۱۵۰ واحد ساخته شده و یا در دست ساختمان است. در این واحدها و همچنین در مراکز آموزشی و هنرستانهای ایجاد شده، با همکاری اتحاد شوروی حدود ۱۰۰ هزار کارگر و تکنیسین ماهر ایرانی تربیت شده‌اند. همکاری شوروی و ایران پاسخگوی منافع ملی ایران است و سبب استحکام واقعی اقتصاد کشور می‌شود. موسسات ایجاد شده با همکاری فنی شوروی، از همان ابتدای کار، کاملاً به مردم ایران تعلق می‌گیرند و ابزار استثمار نیروی انسانی و منابع طبیعی

داوطلبانه و بطور رایگان در اختیار ایران گذارد. ارزش کلی اموالی که دولت شوروی به مردم ایران واگذار کرده، به حدود ۶۰۰ میلیون روبل خلاصه رسید، که در آن زمان مبلغ بسیار کلانی بود. همکاری اقتصادی میان اتحاد شوروی و ایران از سالهای دهه بیست و هنگامی آغاز شد که اتحاد شوروی امکانات کاملاً محدودی داشت و خود بعد از جنگ داخلی دچار مشکلات و دشواریهای فراوانی بود. روش پیگیری اتحاد شوروی در توسعه مناسبات حسن همجواری و همکاری با ایران، در سالهای دهه شصت و هفتاد بعد از آن، به استقرار روابط گسترده اقتصادی مبتنی بر سود متقابل دو کشور ما انجامید.

کارخانه ذوب آهن اصفهان، که بهره‌برداری از اولین مرحله آن به توان سالانه ۵۵۰ هزار تن فولاد در سال ۱۹۷۳ آغاز شده بزرگترین واحد مورد همکاری شوروی و ایران بود. این واحد تولیدی امروزه نیز یگانه موسسه ذوب فلزات سیاه در ایران، با دوره کامل تولیدی، و بزرگترین موسسه صنعتی ایران از لحاظ تعداد کارگران و کارکنان (بیش از ۱۰ هزار نفر) است. این کارخانه در سال ۱۹۷۷ تقریباً صد درصد تولید چند و ۷۳ درصد فولاد کشور را تأمین نمودند و امکان داد سالانه تا ۲۰۰ میلیون دلار ارز خارجی بحساب کاهش واردات صرفه جوئی شود. در حال حاضر کارهای مربوط به افزایش قدرت این مجتمع، تا قریب به چهاربار، یعنی ۱۹ میلیون تن فولاد ارسال، در شرف پایان است.

«السیر» گفت: نیروهای که ثروت‌های نفتی ما را چپاول می‌کردند، ما را به خرید تسلیحات از خود وادار کردند و در سرزمین ما پایگاههای نظامی برای خود ایجاد نمودند و بخاطر منافع مغرضانه خود، ایران را به ژاندارم منطقه تبدیل ساختند.

این امپریالیسم بود که ایران را به بحران اقتصادی و اجتماعی گرفتار کرد. مناسبات حسن همجواری و همکاری شوروی و ایران، با برخورد کشور های امپریالیستی متباین است. در یکی از نخستین اسناد سیاست دولت شوروی درباره ایران گفته شده بود: «تمام سیاست شرقی روسیه نظماً مقابل سیاست کشورهای امپریالیستی باقی خواهد ماند. خلق و دولت روسیه شوروی در تلاش بمنظور تأمین رشد مستقل اقتصادی و سیاسی خلقهای خاور و ابراز هر نوع کمک به آنها در این راه، نقش و وظیفه خود را در این می‌بینند که دوستان و متحدین حقیقی و راستین خلقهایی باشند که بخاطر استقلال کامل اقتصادی و آزادی سیاسی مبارزه میکنند. کشور شوراها استقرار مناسبات خود را با ایران از آن آغاز نمود که قراردادهای نابرابر با روسیه تزاری را، که در خفا امضا شده و به منافع ایران زیان وارد می‌آورد، پاره کرد.

اتحاد شوروی در جستجوی تحصیل امتیازات انحصاری، درآمداضافی و دارائی در ایران نبوده و نیست. علاوه بر این، بموجب قرارداد مورخ ۲۶ فوریه سال ۱۹۲۱، اتحاد شوروی تعداد زیادی موسسات، معادن، امتیازات نفتی و چاه ها را که سابقاً به روسیه تزاری تعلق داشت،

گسترش حوادث در ایران، توطئه‌های زیر پرده دخالت امپریالیستی در امور داخلی این کشور، از جمله در زمینه اقتصادی را فاش کرد. ثروت اساسی ایران - نفت، از قدیم الایام چشم طمع انحصارات غربی را بخود جلب کرده بود. طی یک ربع قرن اخیر، کسریوم بین المللی نفت، که ۴۰ درصد سهام آن به انحصارات امریکائی تعلق دارد، بیش از ۲۰ میلیارد تن نفت از ایران خارج کرد. تنها در سال ۱۹۷۷، از ۲۷۶ میلیون تن «نظای سیاه» استخراجی در کشور، ۲۴۳ میلیون تن آن اساساً به ایالات متحده امریکا، ژاپن، کشورهای اروپای غربی، اسرائیل و جمهوری آفریقای جنوبی صادر گردید. جالب است که ۹۰٪ مصرف جمهوری آفریقای جنوبی و بیش از نیمی از مصرف اسرائیل بحساب نفت ایران تأمین می‌شد.

منابع طبیعی ایران بطرز وحشیانه‌ای مورد بهره‌کشی قرار میگرفت. قسمت اعظم درآمدهای نفتی ایران بمنظور خرید جنگ افزارهای گرانقیمت، نمایندات از سرمایه‌گذاری، حقوقهای کلان کارشناسان خارجی و غیره، به گاو صندوقهای انحصارات فراملی سرازیر میشد. ایران طی پنج سال اخیر سلاخها و تجهیزات جنگی بمبلغ حدود ۲۰ میلیارد دلار خریداری نمود. ایران بیش از پیش به وابستگی سیاسی و اقتصادی غرب درمی‌آمد. مثلاً طی دوران از سال ۱۹۷۲ تا سال ۱۹۷۶ میزان سرمایه‌گذاری های خصوصی خارجی در ایران پنج بار افزایش یافت.

انحصارات امریکائی، انگلیسی و دیگر کشورهای غربی، طی دهها سال غارت ثروت‌های نفتی ایران، به ایجاد واحدهایی که بتوانند استقلال اقتصادی کشور را تحکیم بخشیده و سطح زندگی مردم را اعتلا دهند، ایذا توجهی نداشتند. تأسیسات آنها، به استثنای تعداد بسیار کمی، فقط پایه‌ای برای استثمار شدیدتر منابع طبیعی ایران بود. آیت‌الله خمینی، رهبر ملی و اسلامی جنبش ایران، در مصاحبه با روزنامه لسانی

## دو برابر خورد متضاد ایران و مسائل همکاری اقتصادی

روزنامه «پراودا» تفسیر میکند:

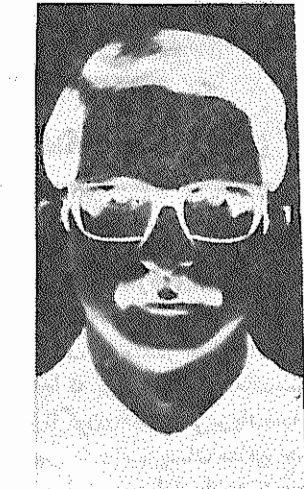
# تیزابی: در چهره حزب توده ایران، چهره قهرمان خلقهای خود را شناختیم

هفتم تیر ماه، وقتی خورشید خونین، آسمان ایران آزاد شده را روشن کند، ششمین سالروز شهادت رفیق قهرمان توده‌ای، هوشنگ تیزابی، فرا میرسد.

۶ سال از عمر خود را در اسارتگاهها و شکنجه‌گاههای شاه‌خائن گذراند. آنجا هم نبرد کرد. نبردی رویارو و پر خشم و کین، که درخیمان را به ستوه آورد.

در شرایطی که ترور و اختناق، سانسور، با افسار گسیخته‌ترین شیوه‌ها، در تلاش تبدیل وطن ما به گورستانی خاموش و بی‌دغدغه بود، هوشنگ تیزابی خسرونی افروخت و اقدام به انتشار مخفیانه نشریه سیاسی و خبری «بسی حزب» کرده انتخابات نام «بسی حزب» در آن دوره که تب مبارزه مسلحانه در اوج بود، بی حکمت نبود. تأکیدی بود بر این باور، که برای عاشقان و رزمندگان سوسیالیسم و آزادی، هیچ راهی جز روی آوردن به تنها حزب طبقه کارگر ایران وجود ندارد. تیزابی، در راه دشوار مبارزه، راه توده‌ها، راه

۶ سال پیش، هوشنگ تیزابی، آن قهرمان توده‌ای که در سرزمین مستعبد، آوای عشق و زندگی خواند، زیر شکنجه‌های شاه مخلوع چشم بر جهان فرو بست، بی آنکه لب از لب باز کند. هوشنگ تیزابی، نخستین توده‌ای از نسل نو بود که بر سر آرمان‌های خلقی و حزبی‌اش، جان خود را تقدیم کرد. راه بزرگ هوشنگ بسی توده‌ها، در سرزمینی که آریامهر قبرستان سیاسی و جزیره آرامش میخواست، از شکنجه‌گاه و اسارت میگذشت. هوشنگ ۳ بار به زندان افتاد و



هوشنگ گفته بود:

«خواهم دیدا رفقای حزبی، در «بسی حزب» که در ادامه راه هوشنگ همچنان منتشر میشد پایان درخشان حیات این قهرمان توده‌ای را چنین تصویر کردند: دژ خیم گفت: کله پوکا هوشنگ گفت: دلم برایت میسوزد، فلک زده! از فرط خشم و نومییدی عربده کشید. هوشنگ گفت: سربا یکش و خودت را خلاص کن. و دژ خیم گفت: مطمئن باش این کار را میکنم. هوشنگ در نگاه دیوانه او این تصمیم را خواند. دژ خیم داشت سوزن نازی را مرتب در زیر ناخنهای او فرو میبرد. با هر فشاری، یک تکه کوچک یا قوت روی انگشت های هوشنگ میدرخشید. تمام عضلات بدن هوشنگ در حال تشنج بود. دژ خیم گفت: زیر دستهای من عاقبت نرم خواهی شد. هوشنگ صدای رژه یک سپاه پرولتاریایی را در ضمیر خود می شنید؛ ولی اگر نتوانی زبانم را باز کنی؟ باز میکنم. صفوف کارگری تمام مغزش را پر کرده بود. پرچم سرخی در باد تکان میخورد. چشمش رو به خاموشی میرفت. اما جاتش تازه نفس بود. دژ خیم آماده میشد تا آخرین قطره های زندگی او را به خاک بریزد. در نخستین بهار آزادی، با بزرگداشت هوشنگ تیزابی، رفیق شهید قهرمان توده‌ای، تجدید سوگند میکنیم که به حزب توده ایران، به حزبی که هوشنگ تیزابی در راهش جان داد، همواره وفادار بمانیم.

حزب توده ایران را یافته بود. رفیق میگفت:

«من از نفرت شروع کردم و به ایمان رسیدم، نفرت از حزب توده میراث پدرم بود. اما ایمان به این حزب، نبرد و شهادت و سوسیالیسم را خودم یافتیم. کینه‌ام کور بود، اما ایمانم چراغ در دست داشت. هیچ دستی بلندتر از دست حقیقت نیست...»

او «بسی حزب» را در روزهای به شاهره حزب توده ایران میخواست تا جوانان را، تجربه‌های تلخ او را در یافتن راه از بیراه و شناختن خسر مهره افسد، تکرار نکنند. او این تجربه را همواره با افسوس به یاد میآورد: «کلاه گشادی سر ما گذاشته بودند. به ما تزریق کرده بودند که حزب توده یک دکان سیاسی است که با اشاره انگشت کوچک استالین بوجود آمده است. سر گذشت چند تا رهبر عاجز و زبون و یک مشت سپاهی لشکر بی‌بوخاصیت را بجای شناسنامه تمام عیار یک حزب کبیر-حزب شهدا و قهرمانها به ما قالب کرده بودند. بی شرف‌ها چه تردستان ما از این منظره احساس تهوع میکردیم. اما وقتی خودمان را از دست رسوبات تبلیغاتی که ذهن جامعه دروشنگری را پر کرده بود، رها نداشتیم، روزه آرسن را یافتیم، ششری و وکیلی و محقق زاده و هزاران قهرمان گمنام را کشف کردیم، میراث جاودانی از تعالیم مارکسیسم - لنینیسم را، که با تارویود موهن ما آمیخته و هزاران هزار آتش زیر خاکستر به جا گذاشته، بازیافتیم و در چهره حزب، چهره قهرمان خلقهای خود را شناختیم. هر برگ از این شناسنامه انقلابی، هر عضو از این سپاه بی‌شمار شهدا و قهرمانان و آرش‌های زنده و بیدار، برای اثبات فعالیت یک حزب رزمجو کافی بودند. آنکاه از قضاوت شتابزده خود شرمسار شدیم...»

هوشنگ تیزابی، این قهرمان توده‌ای، ایمن‌پویان راه توده‌ها، سرانجام بساز دیگر خود را در شکنجه‌گاه یافت. دشمن در روزنامه‌های دست‌نشانده و گوسفندی خود مدعی شد که او خرابکار است و در یک درگیری مسلحانه کشته شده است. این دروغ بود. هوشنگ در شکنجه‌گاه بود. دشمن میخواست راز او، راز حزب، راز توده‌ها را بداند. دژ خیم گفته بود: شانس برای تو وجود ندارد.

## بمناسبت سالروز شهادت گروه حمید اشرف و یارانش از سازمان چریکهای فدائی خلق



حمید اشرف

قربانیان از کدام گروه مسلکی و سازمان سیاسی باشند، محکوم میگردیم، اینک نیز، در این نخستین بهار آزادی، خاطره این شهدا را، که با شجاعت و ایثار علیه رژیم گذشته رزمیدند، گرامی می‌داریم. همه میدانند که ما راه و روشی برگزیده این سازمان را، نه در آن زمان تأیید می‌کردیم و ولی ما بهمه شهیدان خلق ارج می‌نهیم و همانطور که ماه گذشته، در مقام و جای خود، از دکتر شریعتی یا از گروه سعید محسن و حنیف تژاد و دیگر شهدای سازمان مجاهدین خلق ایران یاد کردیم، اکنون نیز از سالروز شهادت گروه حمید اشرف و سایر رفقای شهیدش یاد میکنیم؛ با شتاب هرگز تبهکاریهای بی‌مسئوب رژیم چنایتکار شاه مخلوع و سبادهت ایران بر سادده امریالیستهای امریکائی از خاطر ها زده نشود و همه نیروهای صدیق خلقی، ضد امریالیستی و دمکراتیک بتوانند در مقابل دشمن مشترک، علیرغم همه کار شکنجها و سبایشها، چبه‌های متحد بر پا کنند. صرف نظر از تفاوت‌های مسلکی و عقیدتی یاراه و روش‌های گذشته و حال، این، بهترین تجلیل از همه شهیدان، چه مذهبی، چه غیر مذهبی، چه توده‌ای، چه مجاهد، چه فدائی خواهد بود.

هفتم تیر ماه، سالروز شهادت گروهی دیگر از مبارزان فداکار ضد امریالیست و ضد رژیم سلطنتی منقور است. هفتم تیر ماه ۱۳۵۵، گروه مهمی از سازمان چریکهای فدائی خلق و منجمله رهبر آن حمید اشرف و رفقای اوقاطمه حسینی، طاهره خرم، محمد حسین حق‌نواز، محمد مهدی فرقانی، یوسف قانع خشکه بیجاری، غلامرضا لایق مهربانی، غلامعلی خراب‌پور، علی اکبر وزیر، و محمد رضایی بی بدنباع یک نبرد نا برابری با جلادان رژیم ساواکی شاه، در منطقه مهر - آباد جنوبی به شهادت رسیدند. ما که در جریان سالهای سیاه سلطه حکومت خائون و جبار پهلوی، سالهای نبرد خونین بی‌وقفه علیه این حکومت واریابان امریالیست، چنایات رژیم را، صرف نظر از آنکه

### امریکا برای مداخله در نیکاراگوئه بهانه تراشی می‌کند

به گزارش یونایتد پرس از مسکو، روزنامه پرآودا، ارگان حزب کمونیست اتحاد شوروی نوشت که نزدیکی سقوط رژیم مزدور سوموزا باعث شده است که واشنگتن درباره امکان مداخله در نیکاراگوئه و سرکوبی جنبش خلقی این کشور بهانه تراشی کند. دولت کاتر که نگران پیروزی ساندنیستها و پشتیبانی کشورهای امریکای لاتین از این جنبش است، علی‌رغم ردپیشنهاد امریکا از طرف سازمان کشورهای امریکایی درباره اعزام نیروی پاسدار صلح به نیکاراگوئه، بهمانورهای خود ادامه می‌دهد. بهانه تراشی برای مداخله، در داستان پردازیهای رسانه‌های گروهی امریکاکاملا به چشم می‌خورد. آنها اخباری مجعول در سارده «دخالت کوبا در امور داخلی نیکاراگوئه» انتشار می‌دهند، و ناگهان طبق معمول «کشف می‌کنند» که «مسکو نیز در جریان نیکاراگوئه دست دارد!»

پرآودا متذکر شد که جعل این اکاذیب بدین منظور انجام می‌گیرد که اذهان مردم منحرف شود تا موجبات دخالت مستقیم یا غیر مستقیم واشنگتن در امور نیکاراگوئه فراهم آید.

پرآودا سپس هشدار داد که این روش خطرناک واشنگتن ممکن است اوضاع را در امریکای لاتین بفرنجتر سازد.

بقیه از صفحه ۱

### آیا دادگاههای فوق العاده

شودای انقلاب این مباحث و ابواب را خوانده است یا نه. (مجموعه قوانین جزائی گمانگر - ص ۴۵) و گرنه چطور ممکنست پس از انقلاب ضد سلطنتی، هنوز بتوان کسی را بنام «ضدیت با سلطنت مشروطه» مجرم شناخت؟! چطور ممکنست که زیر عنوان بیمعی «مرام اشتراکی»، مردم را تحت تعقیب قرار داد؟! بر اساس مبحث دوم بود که دو نفر پهلوی‌ها، هر گونه «نطق و اوراق چاپی یا خطی» را ممنوع کردند و هر گونه مبارزه ضد استبدادی، ضد استعماری را «جنایت بر ضد امنیت داخلی مملکت» می‌نامیدند. (همان کتاب، صفحات ۵۰-۴۸)

در زمانی که رخنه عناصر ضد انقلابی در ارگانهای مختلف اظهار من الشمس است و تصفیه و تزکیه لازم‌هنگام هنوز است انجام نشده، خطر اینکه این مواد، انقلابیون واقعی را هدف قرار دهد (بازگردید به ضدیت با سلطنت مشروطه و داشتن مرام اشتراکی)، خطری کاملاً جدی و واقعی است.

نگاه سریع خود را بلا یحه قانونی جدید ادامه دهد و برسد به ماده ۹. در اینجا نیازی نیست که مجری قانون سوء نیت فراوانی داشته باشد تا از آن علیه هر گونه اعتصاب و حق طلبی کارگران سوء استفاده کند.

همه میدانند که ما یکی از جلوه‌های خطرناک ضد انقلاب را خرابکاری اقتصادی میدانیم و در نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران این پدیده را مهمترین مسئله و مشکل ارزیابی کرده ایم و گفته‌ایم که ضد انقلاب ( امریالیسم و ارتجاع داخلی و بقسایای دارودسته شاه مخلوع) از حربه اقتصادی و منجمله فلج کردن تولید بهره‌گیری کرده و خواهند کرد. این واقعیت که ضرورت اتخاذ تدبیر ترین تدابیر را علیه سرمایه‌داران بزرگ وابسته و صاحبان ضد انقلابی و غارتگر موسسات موجه می‌سازد، بهیچوجه بمعنای آن نیست که هر حق طلبی و اعتصاب و مبارزه کارگری یک عمل «خرابکارانه» و «ضد انقلابی» و «اخلال در امور کارگاهها» خوانده شود. ماده ۹ ماده‌ایست حاضر و آماده علیه اعتصاب، که حق مسلم و حربه قاطع طبقه کارگر است.

نظیر آن ماده ۴ (بند الف) و این ماده ۹ در گذشته نیز موجود بود، ولی همانطور که همه میدانند، اهداف تدوین کنندگان آن قوانین را برآورده نکرد، و نمیتوانست برآورده کند. تکامل تاریخ و مبارزه طبقاتی بسی قوی‌تر از خواست آن قانون‌گزاران بود.

اما آن دورانها، به برکت انقلاب بزرگ مردم میهن ما، گذشته است و همه امیدوارند که برای همیشه گذشته باشد. در اینصورت تدوین لویحی که این چنین سوال انگیز، نگران کننده و اعتراض آفرین باشد، چگونه میتواند در خود بال‌گشودن نظام انقلابی جدیدی شمرده شود، که هنوز پا نگرفته، با چنین لویحی به زنجور کشیده میشود.

ما اعتراض خود را از هم اکنون به مواد ذکر شده اعلام می‌داریم و امیدواریم که تصویب کنندگان این لایحه، آنرا بید رنگ و عمیقاً مورد تجدید نظر قرار دهند.

## حمله به اجتماعات و میتینگ‌ها بدعت خطرناکی است

بقیه از صفحه ۱

شده‌اند، یا بازداشت محمد رضا سعادت، عضو سازمان مجاهدین خلق ایران، و یا توقیف ۹ تن از اعضای حزب کارگران سوسیالیست) و همچنین شایان ذکر است که این شیوه‌های ضد دمکراتیک تماماً در مورد حزب توده ایران نیز بکار رفته است و می‌رود. حمله به میتینگها و راهپیمایی‌ها، از شیوه‌هایی است که تاکنون بکار گرفته شده است. آخرین نمونه تجاوز به آزادیهای دموکراتیک، جمعه‌گفته روی داد. بر اساس اخبار رسیده، افراد مشکوکی به اجتماع «جبهه دموکراتیک ملی ایران» در زمین چمن دانشگاه تهران حمله کرده و آنرا برهم زده‌اند. در حمله افراد مشکوک، چند تن از برگزار کنندگان میتینگ که صدمه دیده‌اند، یورش این افراد و برهم زدن اجتماع «جبهه دموکراتیک ملی ایران» و یا هر عملی نظیر آن، از جانب حزب توده ایران محکوم

۲۵ سال اختناق و استبداد، با دادن هزاران شهید به آزادیهای دموکراتیک دست یافته‌اند و به هر گونه محدود یا خدشه دار شدن آزادیها بحق حساسیت فوق‌العاده دارند و از سوی دیگر بهانه دادن به دشمنان رنگارنگه انقلاب، از ماوراء چپ تا بورژوازی لیبرال است برای تبلیغ علیه انقلاب و رهبری آن.

ضد انقلاب در یورش خود به آزادیها از شیوه‌های بسیار متنوع استفاده می‌کند؛ آتش زدن کتابفروشیها، یاره کردن روزنامه‌های گروهیهای مختلف سیاسی، جلوگیری از فروش روزنامه‌ها و نشریات معین، جلوگیری از فعالیت برخی احزاب و جمعیتها در برخی از شهرستانها و بالاخره توقیف بدون دلیل اعضای گروهیهای مختلف سیاسی (مانند دستگیری عده‌ای از اعضای سازمان چریک‌های فدائی خلق که اکنون آزاد

ایران همیاست قاطمانه خود را در دفاع از آزادیهای دموکراتیک دنبال کرده است و می‌کند.

دست بر بنیاد این سیاست اصولی و یکس است که ما با نقض آزادیهای دموکراتیک، از جانب هر کس و هر نیروئی باشد، مخالفیم، زیرا محدود کردن و نظریق اولی نفی این آزادیها، با اهداف اصلی انقلاب ایران متناقض است. متأسفانه باید اذعان کرد که عناصر مشکوکی اینجا و آنجا، به این یا آن شیوه، در کار خدشه‌دار کردن آزادیهای دموکراتیک هستند. بیگمان، امریالیسم و ارتجاع زخم خورده، سهمی از نیروهای خود را در این جهت بکار می‌برند. هدف از حمله به آزادیهای دموکراتیک، از سوئی بدین کردن و ناراضی کردن مردمی است که بمد

است. از آنجا که اینگونه اعمال با اهداف انقلاب ایران مغایر است، ما بشدت به آن اعتراض داریم. حمله به میتینگها، تظاهرات، جلسات و راه پیمایی‌های گروهیهای سیاسی مختلف، بدعت خطرناکی است و تنها کسی که از آن بهره خواهد گرفت، ضد انقلاب است و پس، ما لازم میدانیم اعتراض خود را به توقیف‌های بدون دلیلی هم که انجام می‌گیرد، اعلام کنیم. ما از مقامات مسئول میخواهیم که اگر کسی جر می انجام داده، در معرض افکار عمومی گذاشته شود. در غیر این صورت، توقیف بدون دلیل افراد، محدود کردن آزادیهای دموکراتیک است، و این مغایر با اهداف انقلاب ایران است.

حزب توده ایران از آنجا که ادامه اعمالی را که به خدشه دار کردن آزادیهای دموکراتیک منجر میشود، بسود ضد انقلاب و مغایر با هدف‌های انقلاب میدانند، از دولت و مقامات رسمی جداً میخواهند که به اینگونه اعمال پایان دهند و عاملان آنرا به مردم معرفی کنند.

### پند رستم

زین درد من چگونه توانم سخن نگفت؟  
این زخم را چگونه توانم بدل نهفت؟  
سهراب من  
به کینه چنین باید بر ما  
بر بازوان تفته و بی تاب خودبین  
مهر نشان من!  
ماهر دو از سلاله‌ی زلیم و نیریم  
یک روح  
یک تنیم.  
من رخسار را چگونه بتازم بسوی تو؟  
تو

تیرا  
چگونه رهائی بسوی من؟  
دستان ما بخون هم آلوده چون شود!  
... این درد می خورد تن و جان من ای پسر  
آنجا که قلب مادر ایران مشوش است،  
و افراسیاب  
در پی آشوب و آتش است،  
بگر تودر کدام صف و  
سوی جبهه‌ی؟!  
بوزین آذر مهر

رفیق تقی کی منش عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران از جانب «مردم» در جشن سالیانه روزنامه اوست، ارگان حزب کمونیست آلمان شرکت کرد.



رفیق تقی کی منش (وسط) در گفتگوی دوستانه با رفیق هرمن گوتیه، معاون صدر حزب کمونیست آلمان (چپ) و رفیق مارتا بوشمن عضو هیئت رئیسه حزب کمونیست آلمان (راست)

جشن سالیانه روزنامه «اوست»، ارگان حزب کمونیست آلمان از ۲۲ تا ۲۴ ژوئن ۱۹۷۹ (اول تا سوم تیرماه ۱۳۵۸) باشکوه تمام در شهر وین برگزار شد. دهها هزار نفر از زحمتکشان آلمان فدرال، همراه با هیئت‌های نمایندگی روزنامه‌های ارگان احزاب برادر و مطبوعات دمکراتیک، این جشن را بتظاهراتی از هیبتی زحمتکشان در مبارزه بخاطر صلح، دمکراسی و زندگی بهتر مبدل ساختند.

رفیق تقی کی منش، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از جانب «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران، در جشن «اوست» شرکت کرد. وی که پس از ۲۵ سال اسارت در زندان محمد رضا شاهی برای نخستین بار بخارج سفر کرده است، در سخنان و گفتگوها و از جمله در مصاحبه‌ای با روزنامه «اوست»، ضمن سپاسگزاری از هیبتی حزب کمونیست آلمان با حزب توده ایران و مردم و زحمتکشان ایران و پشتیبانی از انقلاب ایران، اوضاع سیاسی کنونی ایران و مبارزه مردم ایران در راه حفظ و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب ایران را تشریح کرد. رفیق کی منش بویژه در باره بحث روز، یعنی پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، توضیحات کافی داد. وی ضمن تأکید این نکته که پیش‌نویس قانون اساسی بطور کلی مثبت و امیدبخش است، اصلاحات مورد پیشنهاد حزب توده ایران را در باره پیش‌نویس قانون اساسی متذکر شد.

در جشن «اوست»، «مردم»، مانند همیشه، نمونه خاصی داشت که در آن نشریات حزب توده ایران بزبان فارسی در اختیار ایرانیان و نشریات حزب توده ایران بزبان آلمانی در اختیار شرکت کنندگان آلمانی جشن قرار میگرفت. نمونه «مردم»، که با عکسها و طرحهایی در باره زندگی مبارزه مردم ایران در پرتو انقلاب پیروز و زنده مردم ایران - تزئین شده بود، امسال، در نخستین بهار آزادی مردم ایران، بویژه مورد استقبال گرم شرکت کنندگان در جشن قرار گرفت.

### علیرغم

### منافع

### حسن

### همجواری

زیر این عنوان، خبرگزاری مطبوعاتی شوروی «نوستی»، یادداشت مفسر خبرگزاری تاس، گوردوف را منتشر ساخته است. آنجا که براساس اقدامات بسیار گوناگون و خطرناکی بزبان مصالح میهن ما و بزبان منافع حسن همجواری بین ایران و شوروی انجام میگردد، «مردم» این نوشته را عیناً باطلاع خوانندگان خود میرساند:

طبق اطلاع خبرگزاری امریکائی آسوشیتد پرس، آقای طباطبائی معاون وزارت کشور ایران، در یک مصاحبه تلویزیونی اظهار داشت که گویا اتحاد شوروی در استان بلوچستان حرج و مرج ایجاد میکند.

تا کنون اینگونه شایعات بطور کلی از طرف عمال شاه مخلوع و کسانی پخش میشد که با سرویس های مخصوص امپریالیستی همکاری می کردند. همه اینها برای رهبری کمونی ایران خوب روشن است و نمایندگان رسمی آن بارها اعلام داشته اند که برای مداخله مستقیم یا غیر مستقیم اتحاد شوروی در حوادث ایران هیچ دلیل و شاهدی وجود ندارد. در عمل شواهد و حقایق بکلی دیگری وجود دارد که صریح و بی پرده نشان میدهند که اتحاد شوروی از همان آغاز نسبت بانقلاب ایران، با تقاضا و علاقه برخوردار نمود و با اهدافی که نهضت مردم برای نیل به رستاخیز ایران بر مبنای ملی در مقابل قرار داده، همسنگی داشت. همچنین این حقایق و شواهد بنحوی بارز و گسترده نشان میدهند که اتحاد شوروی مایل و آماده است که مناسبات دوستی و حسن همجواری با ایران را بمفهوم واقعی کلمه حفظ کند و آنرا گسترش دهد.

در گذشته سیاست ما در مورد حسن همجواری، خوشایند بعضی ها در خود ایران و در خارج از آن نبود. رژیم شاه و ایالات متحده امریکا، ایران را به پایکامی علیه اتحاد شوروی و زاندارم منطقه در خاور میانه مبدل کردند.

و این نیز، بهیچوجه خوشایند همه نیست. بعضی ها با صحبت‌هایی در باره «مداخله شوروی» بهیچ نیستند که برهبران فعلی ایران بقبولانند که گسترش با گذشته، از روی تأمل و بصورت نبود بجاست که پیرامون اعاده تدریجی و یا لاقول جزئی سیاست سابق فکر و تعمق شود.

البته دانستن این نکته بسیار مهم است و ما بارها این را شنیدیم که رهبران انقلاب ایران با اظهاراتی از نوع حملات ضد شوروی طباطبائی موافق نیستند. ولی از کنار این قبیل اظهارات، که هدفش تیره ساختن مناسبات بین دو کشور است، نمیتوان گذشت.

# سم پاشی علیه کمونیست‌ها بسود انقلاب ایران نیست

ودشمن ملت ایران قلمداد نماید. تهرانی با وقاحتی که تنها از یک جلد آریامهری ساخته است، از ۶۰۰ صفحه دفاعیات خود، دردآگاه عمدتاً مطالبی را خواند که علیه توده‌ای‌ها، چریک‌های فدائی و مجاهدین خلق بود. او بی آنکه از صدها مبارز تهرمان، از تیزاب‌ها، پویان‌ها و صادق‌ها... نامی ببرد، در کسوت «دادستان»، با رژیمانه‌ترین شکلی به حزب توده ایران، سازمان چریک‌های فدائی خلق و سازمان مجاهدین خلق ایران، یعنی خلق و سازمان مجاهدین خلق ایران، یعنی نیروهای که، هر یک بشیوه خود، با رژیم آریامهری نبرد کرده بودند، مستقیم و غیرمستقیم حمله کرد.

آنچه جلال ساواک گفت، از دزخیمی که در دامان رژیم سرپا عقون آریامهری پرورده شده، بعید نبود. اما آنچه سبب شکستی شد، استفاده محافل معینی، از توطئه ضد کمونیستی جلال ساواک بود. برای مردم این سؤال مطرح شد که: چرا دردآگاه انقلاب، که کارآمدترین و خلقی‌ترین ارگان برآمده از انقلاب خونین ایران است و با تیرباران این دو جانی بر این واقعت تأکید کرد که بین مبارزان مذهبی و غیرمذهبی مرزی نیست و جلال آنها، جلال خلق ایران است، آری چرا جلال کمونیست‌ها اجازه پیدا میکند که ساعات متوالی علیه مبارزترین فرزندان خلق یاره سرائی کند، اما شاهدان، یعنی کمونیست‌هایی که توسط این جلال شکنجه شده‌اند، اجازه حرف زدن پیدا نمی‌کنند؛ و مهمتر از این: چرا به جلال ساواک اجازه داده میشود که وقتی به اتهام دهها سال خیانت به خلق ایران محاکمه میشود، به کسوت «دادستان» درآید و علیه کمونیست‌ها اعلام جرم کند؟

ظن استفاده محافل خاصی از دادگاه تهرانی علیه کمونیست‌ها، وقتی قوی‌تر میشود که تلویزیون، ساعات متوالی، در چند شب پیاپی، در اختیار جلال ساواک گذاشته میشود، تا با واره‌های خود را بگوش مردم برساند. این درست است که بخشی از اعتراضات جلال ساواک در افشای روابط ساواک با سازمان‌های جاسوسی آمریکا، اسرائیل و آلمان غربی و چگونگی تعقیب، شکنجه و اعدام مبارزان، ماهیت رژیم شاه را بیشتر و بیشتر روشن کرد، اما اینرا هم نباید از یاد برد که شیوه موزیانه اعتراف کردن تهرانی با آن هدف خاصی، یعنی سم‌پاشی علیه کمونیست‌ها در شرایط امروز ایران، تنها و تنها بسود امپریالیسم است.

ما که در مقالات قبلی، در رابطه با اطلاعات درستی که در اعترافات تهرانی بود، نظرات خود را نوشتیم، به صراحت اعلام می‌کنیم که، استفاده از چنین شیوه‌هایی توسط محافل خاصی که میکوشند علیه کمونیست‌ها سم‌پاشی کنند، بسود انقلاب ایران نیست.

تهرانی و آرش، دو جلد ساواک، به جوخه آتش دادگاه انقلاب سپرده شدند و باین ترتیب دوتن از کسانیکه سالیان دراز در کشتارگاه‌های شاه جانی، رزمندگان انقلابی را شکنجه داده و به جوخه اعدام سپرده بودند، پاسخ جنایات خود را از خلق قهرمان ایران دریافت کردند.

اعدام تهرانی و آرش در شرایطی انجام شد که ضد انقلاب زمن‌م‌هایی را به قصد بی‌اعتبار کردن دادگاه‌های انقلاب آغاز کرده بود. این زمن‌م‌ها، که در برخی از روزنامه‌های چپ‌نما هم متمسک شد، «پیشگویانه» خیر از «عفو» تهرانی و شرکت او در تجدید سازمان ساواک مه‌داد، اعدام دو جلد ساواک، به این شایعات ضد انقلاب خاتمه داد، اما در رابطه با پخش دفاعیات تهرانی در چندین شب متوالی از تلویزیون، سئوالاتی را برای مردم مطرح کرد.

ما در اولین مقاله‌ای که در رابطه با دادگاه تهرانی در «مردم» چاپ شد، نوشتیم که، این جلد ساواک سالیان دراز کارشناس قتل و شکنجه و اعدام مبارزان کمونیست بود. خود تهرانی هم در دادگاه اعتراف کرد که دهها مبارز کمونیست را در زد و خورد‌های خیابانی ویا در شکنجه‌گاه به قتل رسانده است. مبارزان کمونیستی که در طبقه دوم کمیته به اصطلاح ضد خرابکاری تهرانی روبرو شده و طعم تازیانه‌های او را چشیده‌اند، میدانند که او سازجوی مبارزان کمونیست و در شمار آن بازجویان کمیته بود که وحشیگری و درنده خوئی یک جلاد را بانخصی یک کارشناس توانا داشت.

تهرانی که سالیان دراز دز زراد خانه ایدئولوژیک سازمان‌های جاسوسی کشورهای امپریالیستی تخصص کشتار و شکنجه خود را تکمیل و از این تخصص علیه مبارزان کمونیست استفاده کرده بود، تا آخرین لحظات حیات نتکین خود هم سعی کرد از این تخصص سود ببرد. جلال ساواک در دادگاه به شیوه بسیار رندانه‌ای به سئوالات پاسخ داد. تهرانی مانند یک هنرپیشه زبردست کوشید خود را مسلمان و معتقد بخدا جا بزند، اظهار پیشمسانی تلویجی کند و در حین تجلیل ریاکارانه از مبارزان مسلمان، علیه مبارزان کمونیست سم‌پراکنی کند. او گمان میکرد با استفاده از این شیوه میتواند در ذهن توده‌های مسلمان خود را تبرئه کرده از سرگ نجات دهد. جلال ساواک محتوای دفاعیات خود را هم بر این اساس تهیه کرده بود بدینسان که برخی از اطلاعات درست (مانند نفوذ ساواک در تشکیلات تهران حزب توده ایران و سازش مائوئیست‌ها با ساواک) را با انبوهی از اطلاعات مخدوش و نادرست، مانند اعتراف مجاهد شهید مرتضی صندیده لیاف ویا اقرار فدائی شهید اسدالله مفتاحی، درهم می‌آمیخت و باین ترتیب می‌کوشید، مبارزان کمونیست‌ها و همه مبارزان را لوث کند و با تفسیرهای بدی، آنها را آلت دست بیگانگان

## چرا از انتشار «یولداش» جلوگیری میشود؟

نامه زیرین از جانب مجله «یولداش» به «مردم» رسیده است:

بسمه تعالی

دادستانی محترم دادسرای انقلاب اسلامی ایران

محترماً در تاریخ شنبه ۳ خردادماه جاری در ساعت ۳ بعد از ظهر چند مرد مسلح با حکم کتبی واحد اجرایی کمیته مرکزی زندان قصر به چاپخانه «چاپ خدمات» مراجعه و ضمن تذکر شدید، از صحافی و پخش مجله‌ی آذربایجانی «یولداش» اورگان فرقه‌ی آزادیخواهان آذربایجان جلوگیری کردند. ضمن مراجعه تلفنی به کمیته‌ی مزبور معلوم شد که از کمیته‌ی مجلس دستور جلوگیری از نشر مجله داده شده است. در مذاکره‌ی تلفنی با معاون

دادستان انقلاب اسلامی ایشان از حکم مزبور اظهار بی‌اطلاعی کردند.

با توجه به سنن انقلابی و سوابق مبارزاتی فرقه‌ی آزادیخواهان آذربایجان و با در نظر گرفتن اینکه در شماره‌ی اخیر مجله‌ی مزبور اسامی ۷۴ نفر از اعضای فعال ساواک در آذربایجان و سر سپردگان رژیم منقرض شاهنشاهی چاپ و افشا شده بود، این تردید به وجود می‌آید که ساواک کافی‌السابق در خفقان نقشی داشته و از انتشار این مجله‌ی آذربایجانی متضرر می‌شود و از نشر و پخش آن بدین صورت جلوگیری نموده است. خواهشمند است دستور رسیدگی کنید تا علت عمل کمیته روشن شود.

### شماره جدید حساب بانکی «مردم»

علاوه بر حساب بانکی به نام تقی کی منش و به شماره ۳۳۳۲، شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی (ایران نوین سابق)، رفقا و دوستان گرامی می‌توانند به حساب بانکی شماره ۱۱۸۸، شعبه ۲۱۱۰ بانک صادرات نیز کمک مالی خود را ارسال دارند.

«مردم» - سرشتر ما هم اینست که، چرا از انتشار مجله «یولداش» جلوگیری میشود؛ مسئول این عمل، که نقض آزادی مطبوعات است، کیست؟ امیدواریم که «یولداش» هر چه زودتر به انتشار خود ادامه دهد.